

از جهان و جهانیان بینی

📖 تا به جایی رساندت که یکی

این بیت اعتقاد به وحدت وجود را نشان می‌دهد.

این که به هر جانب رو کنی خداست و خدا در همه جا تجلی دارد.

تا به عین الیقین عیان بینی

با یکی عشق ورز از دل و جان

وحده لا اله الا هو

که یکی هست و هیچ نیست جز او

وحده لا اله الا هو: یگانه است و خدایی جز او نیست.

یار بی‌پرده از در و دیوار

در تجلی است یا اولی الابصار

یار (خدا) در همه جا عیان است، تو باید دارای بصیرت باشی تا او را درک کنی.

به زیر پرده‌ی هر ذره پنهان
جهان را سر به سر آینه می‌دان
مردان خدا پرده‌ی پندار دریدند
اگر یک قطره را دل بر شکافی
اگر به چشم حقیقت نظر کنی به جهان

جمال جان‌فزای روی جانان
به هر یک ذره‌ای صد مهر تابان
یعنی همه جا غیر خدا یار ندیدند
برون آید از آن صد بحر صافی
به هر چه بنگری آیت خدا بینی

آیت: آیه، نشانه

غیر او دیگر نمی آید به چشم

هر چه می بینیم و می گوئیم اوست

چو نیکو بنگری در اصل این کار

هم او بیننده هم دیده است و دیدار

مرا باری بحمدالله ز راه رافت و رحمت

به سوی خطه‌ی وحدت برد عقل از خط اشیا

خدا را شکر که عقل من از همه چیز مرا به سوی وحدت وجود می برد.

۲- در همه‌ی ابیات به جز بیت گزینه‌ی اشاره به مسئله‌ی «وحدت وجود» شده است.

(۱) که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

(۲) تا به جایی رساندت که یکی از جهان و جهانیان بینی

(۳) شمع جویوی و آفتاب بلند روز، بس روشن و تو در شب تار

(۴) ز آب بی‌رنگ صد هزاران رنگ لاله و گل نگر در آن گلزار

گزینه‌ی (۳) در بیان ناتوانی عقل در شناخت خداست.

۳- مفهوم کدام بیت با بیت زیر متناسب است؟

«ز کثرت جان خرم را غم و اندوه می‌زاید

به وحدت آی تا خود را همیشه شادمان بینی»

(۱) پا به راه طلب نه از ره عشق

(۲) چشم بگشا به گلستان و بین

(۳) تا به جایی رسی که می‌نرسد

(۴) شمع جویی و آفتاب بلند

بهر این راه توشه‌ای بردار

جلوه‌ی آب صاف در گل و خار

پای اوهام و پایهی افکار

روز بس روشن و تو در شب تار

گزینه ۲ پاسخ است.

در بیت روی سؤال شاعر انسان را به وحدت وجود در مقابل کثرت دعوت می‌کند. همین مفهوم در گزینه‌ی (۲) نیز دیده می‌شود.

شاعر در گل و خار (همه‌ی پدیده‌های هستی) آب (خدا) را می‌بیند و از کثرت به وحدت رسیده است.